

تحول نظامی قبایل ماد در فرایند تشکیل دولت

دکتر مرتضی دهقان‌نژاد*

چکیده: اقوام مادی ساکن در غرب ایران که خود را با تهاجمات بی‌امان آشور رو به رو می‌دیدند، مجبور شدند با اتحاد با دیگر قبایل ساکن این سرزمین، ارتشی منظم و قدرتمند را سازمان دهند که تحت فرماندهی بیت دیاکو به پاسداری از سرزمین ایران بپردازد. این ارتش که از اقوام گوناگون با فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون به وجود آمده بود به مرور زمان به مهمترین نماد وحدت ملی ایرانیان تبدیل گردید و چنین نظامی به مرور زمان به تنظیم موقعیت طبقات، متناسب با نقش آنان در سپاه پرداخت. به این معنا که تأثیرگذارترین گروه در ارتش، مهمترین گروه در طبقه‌بندی اجتماعی شد. لذا مطالعه روند تکامل ارتش در ایران می‌تواند به افزایش اطلاعات ما درباره ریشه‌های بسیاری از سنت‌های نهادینه شده در تاریخ ایران انجامیده و علل پایایی و مانایی آنها را روشن کند.

کلیدواژه: ماد، ارتش، نظام، طبقات، آشور، دولت.

مقدمه

امستد، مورخ تاریخ هخامنشی، اعتقاد دارد که در میان چهار نیروی بزرگ - ماد، کلد، لیدیه و مصر - که سراسر شرق نزدیک را میان خود تقسیم کردند، تنها می‌توانیم ماد را شاهنشاهی بخوانیم، زیرا آنان تنها گروهی از جنگجویان شمالی بودند که به یک زبان مشترک سخن می‌گفتند و طرز فکر مشترک داشتند. ولی بیشتر جای بدبختی است

که هیچ کجا از روزگار مادها کاوش نشده است. اما می‌توانیم امیدوار باشیم روزی که پشته‌های خاک همدان کاوش گردد، شاید بتوانیم با فرهنگ مادی آنگونه که بوده و به زبان خودشان آشنا گردیم.^۱ ولی تا آن روز بیشتر گفته‌ها و نوشته‌های ما بر اساس حدس، گمان و تفسیر برخی آثار و نوشته‌ها می‌باشد که مهمترین آن تاریخ هرودوت است که در همان زمان‌ها نیز مورد نقد مورخین مانند توسیدید واقع شده و متهم گردید که به بیان حقایق علاقه‌ای نداشته و کتزیاس برخی از گزارشات او را تکذیب کرده است و فلاویوس مدعی است که در تاریخ هرودوت دروغ راه یافته است و مورخان دیگر یونان گزارش هرودوت را با افسانه و اساطیر آمیخته یافته‌اند در حالی که محققان معاصر غرب می‌گویند تا هرودوت را مورخی آگاه و بی‌غرض و راستگو معرفی کنند.^۲ بنابراین باید گفت منابع اطلاعاتی ما در مورد مادها بسیار اندک می‌باشد و شاید مهمترین آنان را باید در کتب دینی عهد عتیق و یا آثار حک شده در حجاری‌های پراکنده جستجو کرد که آنها نیز دارای ابهام فراوان می‌باشند. ولی با وجود این نگارنده تلاش نموده با استفاده از منابع مختلف به تحلیل چگونگی شکل‌گیری ساختار نظامی در فرایند تشکیل دولت ماد پردازد.

تشکیل دولت ماد در نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد را در واقع حادثه‌ای بسیار مهم و سرنوشت‌ساز باید دانست که نقش بسیار مهمی در تحولات بعدی آسیای غربی بازی کرده است. این نقش از دو منظر بسیار مهم قابل تأمل است:

الف:^۳ از میان برداشتن دولت قدرتمند و توسعه‌طلب آشور که قبلاً توانسته بود دولت معظم عیلام را منهدم نماید.

ب: تشکیل اولین نهاد دولت کشور آریایی در فلات ایران که مبنای تاریخی بسیار کهنسال گردید.

اما از آنجا که در این دوران قدرت نظامی حرف اول را در تأمین امنیت و استقلال دولت‌ها بازی می‌کرد، لازم بود تحولات نظامی در کنار تشکیل دولت کشور مورد عنایت

۱. امستد: ص ۴۵. ۲. رضازاده، محمود: ص ۱۵.

قرار گیرد و به این دلیل دولت آشور به عنوان قدرتمندترین قدرت منطقه‌ای در ابتدا مورد ملاحظه قرار می‌گیرد تا تصویری هر چند مختصر از آن ترسیم گردد. امید است به این ترتیب بتوانیم به اهمیت کاری که مادها در تاریخ ایران و جهان انجام دادند، پی ببریم.

اوضاع و احوال دولت کشور آشور در آستانه قدرت‌یابی مادها

خاستگاه آشوریان در شمال بین‌النهرین امروزی و در اطراف رودخانه دجله بود. این سرزمین به لحاظ جغرافیایی دارای دره‌های حاصلخیز بود که مردمان ساکن در آن غالباً به کار کشاورزی و دامداری مشغول بودند. ولی با توجه به موقعیت این سرزمین و تلاش مردمان آن در زمینه تجارت، شهرهای متعددی در ساحل دجله شکل گرفت که شامل خیابان‌های وسیع، خانه‌های فراوان، معابد باشکوه و بازارهای پررونقی بود که ثروت فراوانی را در خود جای داده بودند. بخش عمده‌ای از ثروت جمع‌آوری شده در این شهرها از درآمد تجاری بود که با مردم آناتولی شمالی و قبرس، به تجارت مس می‌پرداختند و پس از آن بود که دولتی قدرتمند در آشور روی کار آمد که رسالتی جز حفاظت از ثروت‌های موجود و افزایش آن در خود نمی‌دید. با افزایش تجملات و بالا رفتن هزینه‌های زندگی که درآمدهای بیشتری را طلب می‌کرد و همچنین برای مشغول کردن بخش زیادی از جمعیت آشور که در صورت بی‌کار ماندن می‌توانست برای دولت آشور خطرناک باشد، این دولت اقدام به تجاوز نظامی به همسایگان خود نمود و به موفقیت‌های چشمگیری نیز دست یافت که بخش اعظم این موفقیت‌ها را مدیون سازمان نظامی است که از رسته‌های مختلفی تشکیل می‌گردید و شامل رسته‌های جنگی، سواره نظام و پیاده نظام بود. بنیان اصلی این سپاه را سربازان حرفه‌ای و نیروهای بیکاری تشکیل می‌داد که پس از کشت محصول غالباً بی‌کار بودند. این سربازان با تیر و کمان و نیزه به جنگ دشمن می‌رفتند^۱ و برای دفاع از خود سپرهای بلند و کلاه‌خود و زره به کار می‌بردند و از اینها گذشته آنان توانسته بودند به فن‌آوری ویژه‌ای در ساختن

ابزارهای قلعه کوب دست یابند که از تیرهای بزرگ و محکم که سر مفرغی - آهنی داشتند، تشکیل می‌شد و با استفاده از برج‌های متحرک که از فراز به داخل شهری که در محاصره بود تیراندازی می‌کردند.

ولی توانایی آشور را نباید تنها در داشتن ابزارهای جنگی مهیب خلاصه کرد. بلکه شیوه‌های حمله و بیرحمی آنان در برخورد با اقوامی که در مقابل آنان مقاومت می‌کردند نیز از جمله مهمترین ابزارها برای خراب کردن روحیه مقاومت مردمانی بود که مورد تهاجم قرار می‌گرفتند و پای مقاومت آنان در حفاظت از شهرها سست می‌گردید. شیوه‌های که بعدها دیگر اقوام مهاجم مانند سکاها، هون‌ها و مغولان نیز به آن دست یازیدند.

آشوریان برای جلوگیری از مورد تهاجم واقع شدن، تلاش می‌کردند پس از شکست دشمن آنچنان آنها را از هستی ساقط نمایند که هرگز به فکر انتقام نیفتند. آنان پس از غلبه، به غارت دهات و سوزاندن خرمن‌ها و قطع درختان میوه‌دار می‌پرداختند. آنان شهرها را غارت می‌کردند و موقعی که این شهرها را ترک می‌گفتند، در بیشتر موارد دیگر حتی سایه‌ای که کسی بتواند در پناه آن بنشیند وجود نداشت. از جمله شکنجه‌های معمول در میان آشور، بیرون آوردن چشم، پوست‌کندن و آنباشتن پوست افراد از گاه بود. از دیگر شیوه‌های برخورد فاتحان آشور با مغلوبین کوچ دادن دسته جمعی مردم مغلوب به سرزمین‌های دیگر و یا برده نمودن و استفاده از نیروی کار آنان در کشاورزی و ساختن ساختمان‌های بزرگ در آشور بود. کاری که بعدها رومی‌ها و دیگر کشورهای قدرتمند نیز بدان پرداختند.^۱ برای مثال در تورات فصل هفدهم آمده است:

در سال نهم سلطنت هوشیع ملک آشور شومرون را گرفت و اسرائیل را به آشور اسیر برد و ایشان را در حلب و خابور به کنار نهر کوزان و شهرهای وداین (مدین) نشانید.^۲

نمونه دیگر کتیبه آشور بنی‌پال درباره فتح و انقراض عیلام است که می‌تواند نشان دهنده خشونت حاکم بر رفتارهای آنان در ارتباط با اقوام مغلوب باشد:

من شوش شهر بزرگ مقدس، مسکن خدایان ایشان، مأوای اسرار ایشان را بنا به خواسته

۱. دولاندن، ش: ص ۳۶.

۲. عهد عتیق، کتاب مقدس اورشلیم: ص ۱۰۴.

آشور و ایشتر فتح کردم. وارد کاخ‌هایش شدم و با شادی و بشارت در آنجا اقامت گزیدم. در گنج‌هایش را گشودم که در آنها طلا و نقره خواسته و مال فراوان بود. آنچه را که شاهان پیشین تا شاه کنونی عیلام در آنها گرد آورده بودند و تا به حال هیچ دشمنی به جز من بر آنها دست نیافته بود، به منزله غنیمت در تملک گرفتم، طلا و نقره خواسته و مال سومر آکاد و کاردونیاش (بابل) که شاهان پیشین عیلام مکرر غارت کرده و به عیلام آورده بودند... زینت آلات نشان‌های سلطنتی... سلاح‌های جنگی... همه ائانه قصورشان که (شاه) روی آنها جلوس می‌کرد، می‌خواستید (ظروف) که در آن غذا می‌خورد، آنها را به منزله غنیمت به آشور آوردم. من زیگورات شوش را که با آجرهایی که با سنگ لاجورد لعاب شده بود، من (نوعی) تزئینات بنا را که از مس صیقلی یافته ساخته شده بود، شکستم. شوشیناک خدای اسرارآمیز که در مکان‌های اسرارآمیزی اقامت دارد و احدی ندیده است که او چگونه خدایی می‌کند، سومودو، لاگامار... این خدایان و این الهه‌ها با زینت‌آلاتشان، ثروتشان و ائانه‌شان و روحانیانشان (همه را) به عنوان غنیمت به مملکت آشور آوردم ۳۲ مجسمه سلطنتی را که از طلا و نقره و مس ریخته و با مرمر سفید (تراشیده شده) بود... به مملکت آشور آوردم. تمام شدوها (دیوان) و لاماسوها، نگهبانان معابد را بدون استثنا از بین بردم. (مجسمه‌های) گاوهای نر خشمناکی را که زینت‌بخش درها بودند، از جا کندم، معابد عیلام را با خاک یکسان کردم و خدایان و الهه‌هایشان را به باد یغما دادم. سپاهیان من وارد بیشه‌های مقدس‌ش شدند، که هیچ بیگانه‌ای از کنارش نگذشته بود. اسرار آن را دیدند و با آتش سوختندش. من قبور پادشاهان قدیمی و جدیدش را که از ایشتر پروردگار من نهرا سیده بودند و به پادشاهان پدرانمان صدمه رسانده بودند، ویران و متروک ساختم، (اجساد) آنها را در معرض خورشید قرار دادم و استخوان‌هایشان را به مملکت آشور آوردم من از انیموهایشان (ارواح خدایان) آرامش و راحتی را با جلوگیری از تقدیم هدایای تدفینی و آشامیدن مشروب به افتخار آنان، سلب کردم من در فاصله یکماه و بیست و پنج روز راه ایالات عیلام را تبدیل به یک صحرائی لم‌بزرعی کردم. من در دهش نمک و سیلهو پروراندیم.

من دختران شاهان، زنان شاهان تمام خانواده قدیمی و جدید شاهان عیلام، شهربانان و شهرداران دهاتش و... تمام متخصصین بدون استثنا، ساکنان مرد و زن... چهارپایان

بزرگ و کوچک که تعدادشان از ملخ بیشتر بود، به منزله غنیمت به مملکت آشور فرستادم
خرهای وحشی غزال‌ها، تمام حیوانات وحشی (بدون استثنا) از برکت وجود من (در
شهرهای آن) به راحتی زندگی خواهند کرد. ندای انسانی (صدای) سم چهارپایان بزرگ و
کوچک، فریادهای شادی... به دست من از آنجا رخت بریست.^۱

دولت آشور در سایه قدرت نظامی و خشونت رفتاری بی دلیل خود توانست
شامی‌ها، مصریان، مادها، اورارتی، ایلامی‌ها، بابلی‌ها و بسیاری دیگر از اقوام آسیای
صغیر را خراج‌گزار خود نماید...

سناخریب، پادشاه بزرگ آشور، توانست با سیاست بسط تجارت و تسلط بر راه‌های
تجاری و گرفتن باج و خراج از دولت‌های مغلوب، پایتخت خود یعنی شهر نینوا را به
یکی از زیباترین شهرهای جهان تبدیل کند و این روند در سال ۶۶۹ ق.م، در زمان آشور
بنی‌پال به حد کمال خود رسید و آشور توانست در زمینه‌های معماری، بازرگانی، صنعت
و کشاورزی که مهمترین بخش اقتصادی این دولت بود، به پیشرفت‌های قابل توجهی
دست یابد که در این مقال جای پرداختن بدان نیست. ولی پشتوانه اصلی آشوریان برای
حفظ اقتدار به دست آمده قدرت ارتش به ویژه سواره نظام و استفاده از اسبان اصیلی
بود که دامنه‌های رشته کوه زاگرس یعنی حوزه اقتدار مادها پرورشگاه اصلی آن بود.^۲

و اتفاقاً اولین اشاره‌ای که به قوم «مد» یا ماد گردیده در کتیبه‌ای است که متعلق به
سالمانسر سوم، به سال ۸۳۶ ق.م می‌باشد که از مادها به عنوان دشمنان آشور نام برده
شده است^۳ و علت این دشمنی چیزی جز علاقه آنان به اسبان مادی و مقاومت مادی‌ها
در حفظ این سرمایه نبود. در گزارشات دیگر مربوط به لشکرکشی سارگن آشوری به
سال ۷۱۳ ق.م دیده می‌شود که به بهانه «سرکوب چند دهدژ مادی که به زعم او امنیت
آشور را به مخاطره انداخته بودند» به مادها هجوم می‌برد و تعداد معتناهی اسب به
غنیمت می‌گیرد^۴ که به قول آدلر (ADLER) «... مادها پس از اهلی نمودن از آنها در

۱. آمیه، پیراص ۷۱. ۲. دلائل، ص ۳۸. ۳. آری، ارج، و... ص ۳۳.

جنگل‌ها استفاده می‌کردند.^۱

ولی دولت - سرزمین ماد کجاست؟ «تعیین دقیق مرزهای ماد دشوار است. به نظر ما احتمال دارد که مرزهای مزبور به وضعی بوده که بخشی از سرزمین آینده پارت را نیز پیوست خاک ماد می‌ساخت.»^۲ آنچه در تاریخ به نام دولت ماد نامیده می‌شود، در ابتدا مجموعه‌ای بود از تعدادی قبایل آریایی و غیرآریایی که در اطراف دریاچه ارومیه... به صورت پراکنده ساکن بودند، در نهایت موفق شدند با اتحاد با یکدیگر، بنیان‌گذار امپراطوری وسیعی گردند که از هند شروع می‌شد و تا آسیای صغیر ادامه داشت. گرچه عمر آن چندان طولانی نبود^۳ فاقد قدرت اجرایی سازمان یافته و متمرکز بود، ولی با وجود این، مادها را باید آغازگر دوره‌ای نوین در تاریخ ایران دانست.^۴ اما از مهمترین عواملی که زمینه لازم برای وحدت مادها را فراهم آورد، مشکلات ناشی از تهاجمات آشوریان بود. زیرا قبایل متعدّد مادی زمانی که خود را با هجوم‌های پی در پی آشور رو به رو دیدند، به ناچار به یکدیگر نزدیک شده و با اتحاد با ممالک کوچکتری که از اطاعت دولت نینوا سرپیچی کرده بودند و ساکنان زاگرس^۵، توانستند قدرت نظامی خود را که در همان زمان نیز از قابلیت‌های فراوان برخوردار بود، افزایش دهند. خصوصاً استفاده از ارابه‌های جنگی و پوشش زره برای سربازان و اسبان، آنان را در میان سایر گروه‌های رزمی شاخص نموده بود و این امکان را برای آنها فراهم می‌کرد که در رأس گروه‌های مبارز ضد آشور قرار گیرند.^۶ به جز مسئله تهاجمات مکرر آشوری‌ها برای کسب غنیمت، عامل دیگری که نباید از آن غفلت کرد و از جمله عوامل دیگر مقاومت مادها و

1. PHILIP J. ADLER: P. 40.

۲. دیاکونف: ص ۴۱۶؛ رضایی، عبدالعظیم: (۱۳۷۸): ص ۳۰۷.

3. Boak, Slosson, Anderson, Bartlett: P. 82.

4. ANCIENT WORLD: P. 42.

5. BROWN, S. C: PP. 107-119.

6 PHILIP J. ADLER: P. 40; ANICA 11 (8) YARSHATER. P.P 803- 805 و ن ک
ASSARHADDEN. ENCYCLOPEDIA IR delaunayj. A.

احتمالاً اتحاد قبایل به شمار می‌رفت، رسالتی بود که آنان برای حفظ و نگهداری جاذبه تجاری شرق و غرب برای خود قائل بودند که بخش مهمی از آن در محدوده اقتدار مادها قرار گرفته و از خاک ایران می‌گذشت.^۱ اما نکته قابل تأمل دیگر در خصوص قبایل ماد اینکه، این قبایل در ابتدا هر کدام دارای رئیسی بودند که البته با رؤسای دیگر در یک سطح قرار نداشت و این عدم تساوی نیز غالباً به واسطه نابرابری در تعداد جنگجویان هر قبیله بود. به هر حال بنا بر اظهار هرودوت: در میان رؤسای قبایل سرانجام «دیوکس» نامی که توانسته بود در میان مردم نفوذ پیدا کند، به عنوان نخستین حاکم با داشتن قدرت مطلقه انتخاب گردید. اقدامات دیاکو پس از انتخاب به عنوان رهبر اتحادیه عبارت بود از: اتحاد قبایل و هماهنگ کردن نیروها، سود بردن از دره‌های طبیعی موجود در رشته کوه زاگرس، ایجاد استحکامات مناسب، تقویت نیروی بدنی و بالا بردن روحیه جنگی قبایل متحد، استفاده از نیروهای زبده سکایی و اتخاذ شیوه جنگ‌های نامنظم علیه نیروهای آشوری که عادت به انجام عملیات کلاسیک و رو در رو داشتند.^۲

کار دیگری که دیاکو برای ایجاد دولت به آن دست یازید و از اهمیت فراوان نیز برخوردار بود، ایجاد مقر فرماندهی مشترک و ایجاد نظم و انضباط از طریق وضع قانون و مقررات رسمی بود. منظور اول با انتخاب هگمتانه در پای کوه الوند برآورده شد^۳ و برای رسیدن به هدف دیگر که ایجاد تشکیلات مناسب بود. از تجربه یهودیان تبعیدی و الگوهای دولت آشور پیروی کرد. در این سازمان‌دهی جدید که دیگر بر مناسبات قبیله‌ای استوار نبود، جایگاه افراد دقیقاً مشخص می‌گردید و قوانین موضوعه که رعایت آن را بر همگان واجب می‌نمود، موجب می‌شد از سهل‌انگاری و سستی در کارها جلوگیری شود و از همین زمان است که ما شاهد شکل‌گیری نخستین دربار در ایران و استفاده از نیروی نظامی برای اجرای فرامین حاکم می‌باشیم. نمونه‌ای از این احکام را می‌توانیم در اعلامیه دیاکو ببینیم، و آن در زمانی است که فرمان داد: «هیچ‌کس به حضور شاه بار داده نشود، و تنها به وسیله واسطه‌ها و پیامبرانی، مردم، مطلب خود را به عرض

۱. پیگولوسکایا، ن: ص ۱۳.

۲. زرین‌کوب، عبدالحسین: ص ۸۷.

۳. هوار، کلمان: ص ۲۹.

او برسانند و دیگر کسی حق خندیدن یا آب دهان انداختن در برابر شاه را ندارد...^۱ با مرگ دیاکو فرزندش فرورتیش به قدرت رسید و سیاست‌های پدر را در تکوین دولت ماد و تقویت پایه‌های آن خصوصاً تقویت بنیه نظامی را با شدت و حدت بیشتری ادامه داد. او با استفاده از سنت‌های کهن آریایی که افراد قبیله را وادار می‌کرد از عنفوان جوانی تحت آموزش نظامی قرار گیرند، استفاده کرده، این نهاد را به شدت تقویت نمود و آثار عملی آن به حدی بود که آشوری‌ها از مادها همیشه با صفت نیرومند یاد می‌کردند. از دیگر اقدامات او بهبود بخشیدن به جنگ‌افزارهای نظامی بود که از جمله نقاط ضعف سپاه ماد در برابر ارتش آشور به حساب می‌آمد. در جهت رفع این نقیصه فرورتیش تلاش نمود علاوه بر آموزش نیروهای خود، به اصلاح ابزارهای جنگی نیز اقدام کند، لذا خنجر و شمشیر کوتاه (موسوم به اسکیتی) و برخی سلاح‌های دیگر به مجموعه سلاح‌های ماد که شامل نیزه و سپر کوتاه بود، اضافه کند^۲ و در همان حال تجهیزات مربوط به اسب را که در میان مادها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، تکامل بخشد و از بسیاری جهات به سلاح‌های پیشرفته آشور نزدیک شد.^۳ اطلاعات مربوط به این دگرگونی‌ها را امروزه می‌توان در ابزارهای به دست آمده از گورهای واقع در هرسین، الشتر، خرم‌آباد، که شامل ابزارهایی همچون شمشیر، خنجر، کلنگ، تیرهای آهنی و مفرغی و تجهیزات مربوط به اسب به دست آمده ملاحظه کرد.^۴

بسیاری از اقدامات انجام شده توسط فرورتیش را باید از اقبال او دانست، زیرا عیلامی‌ها دولت آشور را طی سال‌های ۶۶۹-۶۴۵ ق.م به خود مشغول داشته بودند و موجب گردید فرورتیش فرصت یابد که با فراهم کردن امکانات لازم در سال ۶۳۲ ق.م خود را آماده نبرد با آشور نماید. ولی این جنگ با همه تلاش‌ها و حسابگری‌هایی که از سوی نیروهای مادی صورت گرفته بود و به رغم اینکه در ابتدا نتایج درخشانی نیز در برداشت و حتی موجب شد که در نبشته‌های آشوری از این پس از پادشاهی ماد به

۱. هرودوت: ص ۷۹؛ دورانت، ویل: ج ۱ ص ۴۰۶. ۲. لوکاس، هنری: ج ۲، ص ۱۶۳؛ دیاکونف: ص ۳۲۷.

۳. لوکاس، هنری: ص ۱۶۰؛ دیاکونف: ص ۳۲۸. ۴. همان، ص ۱۶۰.

عنوان سرزمین مستقلی نام برده شود، ولی منجر به شکست همه جانبه آنان گردید^۱ و بار دیگر ثابت نمود که هنوز سپاهان ماد قادر به مبارزه با سربازان ورزیده آشوری نیستند و از همه مهمتر نشان داد که مادها باید در خصوص متحدین خود دقت بیشتری داشته باشند، چرا که مادیس، سرکرده سکاها و پسر پارتوا، همچنان که پدرش در اتحادیه اول آریاها علیه آشوریان به متحدین خود خیانت نموده بود، او نیز در لحظه حساس جانب آشور را گرفته و از پشت سر به سپاهیان ماد حمله کرد و جنگ را به سود آشور پایان داد و فرورتیش در این نبرد کشته شد (۶۳۳ ق.م).^۲ در کتاب یهودیت که از جمله کتاب‌های عهد عتیق می‌باشد، به عنوان یکی از مهمترین منابع به این داستان اشاره گردیده و اطلاعات قابل توجهی از اقدامات فرورتیش که از او تحت عنوان اَرَفْکَشاد یاد شده، در اختیار ما قرار می‌دهد، خصوصاً بر این نکته تأکید شده که او برای مقابله با آشور بارویی بر اطراف شهر همدان برافراشت که «سنگ‌های تراشیده آن، سه ذراع عرض و شش ذراع طول داشتند و حصار بر پا شده، هفتاد ذراع بلندا و پنجاه ذراع پهنا داشت. کنار دروازه‌های شهر برج‌هایی بنا کرده بود که بلندایشان صد ذراع و پهنای پی‌شان شصت ذراع بود. ولی همانطور که گفته شد سرانجام... در پیکار با آشور سپاه ارفکشاد و سواره نظام و اریه‌هایش در هم شکست... و در همدان... برج‌ها تسخیر گردید و میدان‌ها ویران و به نشانه‌های ننگ مبدل و سپس ارفکشاد را در کوه‌های رعای دستگیر کرد و آماج تیرهای زوبین‌هایش ساخت و از بین برد.»^۳ این حکایت در درجه اول نشان دهنده تلاش فرورتیش جهت مستحکم کردن استحکامات دفاعی در مقابل نیروهای آشور و تقویت نیروی سواره نظام است ولی شکست سریع او نشان داد که در ارزیابی نیروهای مهاجم آشور و حمایت نیروهای سکایی دچار اشتباه گردیده است و احتمال دیگر اینکه با وجود اقدامات پیشگیرانه فرورتیش در ساختن استحکامات احتمالاً خیانت عناصر

1. BROWN, S.C: P.P 71-86.

۲. دلدن: ص ۵۲، سیکتین سالور: ص ۸۲

۳. کتاب‌هایی از عهد عتیق «کتاب‌های قانونی تانی»، ص ۱۰۷-۱۰۹.

سکایی موجب سقوط شهر و شکست مادها گردیده است و از سوی دیگر این مطلب ما را متوجه این نکته می‌سازد که احتمالاً ساختن دیوارهای شهر در زمان دیاکو به پایان نرسیده و این کار در زمان فرورتیش به پایان رسیده است. ولی در هر حال دیاکو و فرورتیش توانسته بودند پایه‌های دولت کشور ماد را تا آن حد مستحکم کنند که این شکست نتوانست موجبات نابودی آن را فراهم نماید و پسرش هوخشتره (۶۳۳-۸۴ ق.م) آنچنان که از منابع برمی‌آید، بدون اینکه مورد تعرض و اعتراض عناصر موجود در ساختار حکومتی ماد قرار گیرد، به آسانی جای پدر را گرفت و با توجه به استراتژی کلی دولت ماد مبنی بر مقابله با باج‌خواهی آشور، شروع به آماده نمودن سپاه و محکم کردن مواضع دفاعی خود نمود.^۱ نام او نیز فراخور او بود که کنیه بنج جنگ و رِثَرغَته (بهرام) را گرفته بود^۲ و هرودوت می‌نویسد: «او حتی از اجداد خود هم جنگجوتر بود و تنها کسی بود که برای نخستین بار ارتش آسیانی را سازمان داد.»^۳ این پادشاه را باید از چهره‌های درخشان تاریخ ایران باستان دانست زیرا او زمانی وارث تاج و تخت شد که سپاه ماد در هم شکسته شده بود و دشمنان قدرتمندی مانند آشور بانیپال و مادیس، سر کرده‌ی سکاها اطراف او را گرفته بودند و از همه مهمتر لطمه روحی وارده بر نیروهای متحد مادی برنامه‌ریزی برای بازسازی نیروها را با مشکل روبرو می‌کرد. به گزارش هرودوت در نخستین نبرد بین نیروهای ماد و سکایی (سیت‌ها) در کنار دریاچه ارومیه، هوخشتره پادشاه ماد مغلوب گردید و سیت‌ها بر آسیا بیست و هشت سال و در ظرف آن مدت جسارت و ستمکاری ایشان همه جا را فراگرفت، زیرا علاوه بر خراج مرتب از آن ملل متعدّد، عوارض دیگر نیز می‌ستاندند و مقدار آن را نیز به میل خود تعیین می‌کردند. به علاوه در سراسر مملکت می‌تاختند و هرچه به دستشان می‌رسید و می‌توانستند غارت می‌کردند.^۴ هوخشتره که توانایی لازم برای مقابله با آنان را به لحاظ نظامی در خود نمی‌دید، با جمعی از مادها دست به حيله زده جمع فراوانی از سران سکایی را به

۱. رضایی، عبدالعظیم: ص ۱۵۶. ۲. هینلز، جان: ص ۴۰. ۳. هرودوت: ص ۸۱.

۴. همان، ص ۸۳.

مهمانی فراخوانده و با شراب مست نموده و همگی را به قتل رساند.^۱ لذا می‌توانیم با توجه به رفتار هوخشره نتیجه بگیریم که او اولین پادشاه ایرانی است که برای رسیدن به اهداف خود از تاکتیک فریب و نیرنگ استفاده کرده و جنگ با استفاده از ابزارهای دیگر را به تاکتیک‌های مبارزه افزود. کاری که بعدها مورد توجه بسیاری دیگر از سرداران فاتح قرار گرفت و تا آنجا پیش رفت که فیلسوفی مانند ارسطو و هگل به توجیه فلسفی پرداخته‌اند. هگل می‌نویسد: «مردان تاریخی به حوزه‌های اخلاق تعلق ندارند و اصولاً در تاریخ جهانی نباید اخلاق را دخالت داد. چه بسا اراده خداوند به وسیله اعمال مردان منفی تاریخی تحقق یافته و به عینیت رسیده باشد. پس اهل اخلاق نباید بر کار مردان تاریخی خرده بگیرند.»^۲ استفاده از توانایی‌های دشمن مغلوب برای تقویت نیروهای خودی نیز یکی دیگر از تاکتیک‌های انتخابی هوخشره بود که او را در این زمینه در زمره یکی از سرداران موفق نظامی قرار می‌دهد که هیچ فرصت و امکانی را نادیده نمی‌گرفت. او در هر شرایطی این توانایی را داشت که تهدیدها را به فرصت تبدیل کند و از شکست‌ها پل‌ها به سوی پیروزی بسازد. نمونه تاریخی آن اینکه پس از غلبه بر سکاها به جای اینکه همانند آشوریان به قتل عام آنان بپردازد، به استفاده از مهارت‌های آنان پرداخت. چنانکه در منابع آمده است، او سربازان سکایی را که در فن تیراندازی با کمان یگانه روزگار خود بودند، وادار کرد تا به سپاهیان او آموزش دهند به گونه‌ای که سپاه ماد بعدها توانست با استفاده از شیوه‌های رزم سکایی مانند تعقیب و گریز، خسته کردن دشمن و نهایتاً حملات برق‌آسا و از بین بردن آنان به پیروزی‌های چشمگیری دست پیدا کند.^۳ اما بزرگترین موفقیت او پس از در اختیار گرفتن دوباره امپراطوری و استحکام پایه‌های دولت خود این بود که در سال ۶۱۴ ق.م بر آشور تاخت و برخی شهرهای مهم آن را در اختیار گرفت و پس از آن با نبوپلنسر Nabopolossar پادشاه بابل همدست شد و برای یکسره کردن کار آشور به محاصره نینوا پرداخت، گو اینکه آشکار نیست که از سال ۶۱۳ تا ۶۱۲ ق.م چه حوادثی روی داده باشد. ولی نینوا در سال ۶۱۲ ق.م گشوده

۱. هرودوت: ص ۸۳ ۲. هگل: ص ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۹۱. ۳. گبرشمن، رومان: ص ۱۰۹.

شد و با خاک یکسان گردید^۱ و پس از آن از نیروی نظامی خود برای فتح سرزمین‌های شمال آناتولی استفاده نمود. ولی جنگ میان لیدی یا لودیه Lydia با ماد بی‌نتیجه ماند و در سال ۵۸۵ ق.م با جنگ کسوف به پایان رسید و رود هالیس یا قزل ایرماق کنونی مرز بین دو دولت قرار گرفت.

هوخشتره پس از آن متوجه مرزهای شمال و شرق کشور خود گردید که این بیم و هراس را می‌توان در صحیفه اشعیاء و ارمیاء ملاحظه کرد. هوخشتره، همچنین به مرزهای شمالی و شرقی کشور خویش پرداخت، اما از میزان نیروی ما در آن نواحی آگاهی نداریم.^۲ اما از جمله تلاش‌های هوخشتره برای بالا بردن کارایی ماشین نظامی مادها، رها ساختن خود از وابستگی به نیروهای قبیله‌ای بود که بیش از آنکه به فرماندهی کل وفادار باشند به فرماندهان طوایف که با آنان به میدان جنگ آمده بودند، وفادار بودند و این طرز تفکر هوخشتره را بر آن داشت که دست به ایجاد سپاه منظمی از نیروهایی بزند که وفاداری آنان نسبت به پادشاه محرز شده باشد^۳ و به دنبال این اقدام با بهره جستن از توانایی‌های بالقوه نیروهای مادی در استفاده از اسب و تیر و کمان و بالا بردن توانایی آنان در استفاده از تکنیک‌های پیشرفته نظامی زمان که تا آن روز بیشتر در اختیار نیروهای آشوری بود، سپاهی مقتدر فراهم کرد که هم به لحاظ روحی و هم به لحاظ ادوات، قدرت مقابله با آشور را دارا بود.^۴ به نظر می‌رسد هوخشتره بود که تن‌پوش و سلاح‌ها را نیز تغییر داد. در روی پیکره‌های تخت جمشید شاهد لباس مادی هستیم که شامل کلاه نمدی با لبه پهن آویزان روی گردن، یک سدره چرمی تنگ آستین دراز که تا بالای زانو می‌رسد. شلووار بلند چرمی و کفش بنددار با نوک برجسته نشان می‌دهد که پوشندگان آنها بسیاری از وقت خود را به سواری می‌گذراندند. سلاح عمده تاخت همان نیزه از چوب سخت با نوک پرنگی لبه برگشته و ته فلزی بود و بسیاری از جنگجویان نیز کمانی در کماندان و ترکش پر از تیر همراه داشتند.^۵

۱. هرودوت: ص ۸۳؛ فرای، ریچارد: ص ۱۱۹. ۲. همان، ص ۱۲۰. ۳. بیگلولسکایا: ص ۱۴.

۴. هوار، کلمان: ص ۳۰. ۵. امستد: ص ۲۴.

او موفق شد نینوا را گشوده و اهالی نینوا را بنابه نوشته تورات کتاب طوییا، به سرزمین ماد تبعید کند^۱ و حتی به نظر نمی‌رسد که هوخشتره با وارد کردن سکاها به پیکره اصلی سپاه خود تلاش نموده باشد، از قدرت آنان استفاده کند، در واقع باید سکاها را در زمره مهمترین معلمان نظامی مادها به حساب آورد.^۲ ولی پس از او پسرش آستیاگ به قدرت رسید و در زمان همو بود که قدرت از خاندان ماد به پارس‌ها منتقل گردیده و دوران حکومت آنان به پایان رسید.

نتیجه

به هر حال همانطور که گفته شد، دیوکس یا دیاکو به واسطه قابلیت‌های فردی و با استفاده از شرایط زمانه توانست مادها را در زیر یک پرچم گرد آورد و از آنان یک دولت واحد تشکیل دهد کاری که به آنان امکان داد بتوانند در مقابل تهاجم‌های قوم آشور مواضع متحدی را اتخاذ نمایند. گرچه دیاکو به این دلیل که هنوز قدرت لازم را برای مقابله با آشور نداشت، همچنان به پرداختن باج و خراج مقرر اقدام می‌نمود، ولی فرورتیش، پسر و جانشین او، از چنین کاری ابا نموده کارش با دولت مقتدر آشور به جنگ کشید که برای دولت ماد سرانجامی جز شکست و قتل فرورتیش دربرداشت. با وجود این از آنجا که گویا مادها عهد کرده بودند به چیزی کمتر از استقلال قانع نباشند. هوخشتره سومین فرد از این خانواده با استفاده از تجربیات پادشاهان قبل از خود توانست در یک دوره طولانی، ولی پربار، با بالا بردن سطح توانایی‌های رزمی مادها و به منصفه ظهور گذاردن ارزش فرماندهی و نبوغ نظامی خویش انتقام سال‌ها زورگویی بروی و غارت سرزمین خود را از آشور گرفته در سال ۶۱۲ ق.م هوخشتره با کمک متفقین خود مرگب از نیویلسر و نیروهای سکایی نینوا را به تصرف درآورده، آن پایتخت مغرور و پرتجمل امپراطوری را با خاک یکسان کرد.^۳ و علاوه بر آنان توانست اطلاعات تازه‌ای از

۱. کتاب‌های مقدس پیشین کتاب طوییا، ص ۱۰۵. ۲. بیگولوسکایا، ص ۱۴.

۳. چارلز الکساندر رابینسون، ص ۱۱۵.

مدیریت، خصوصاً مدیریت در شرایط بحران را برای دولت‌های دیگر از جمله پارس‌ها به یادگار بگذارد.

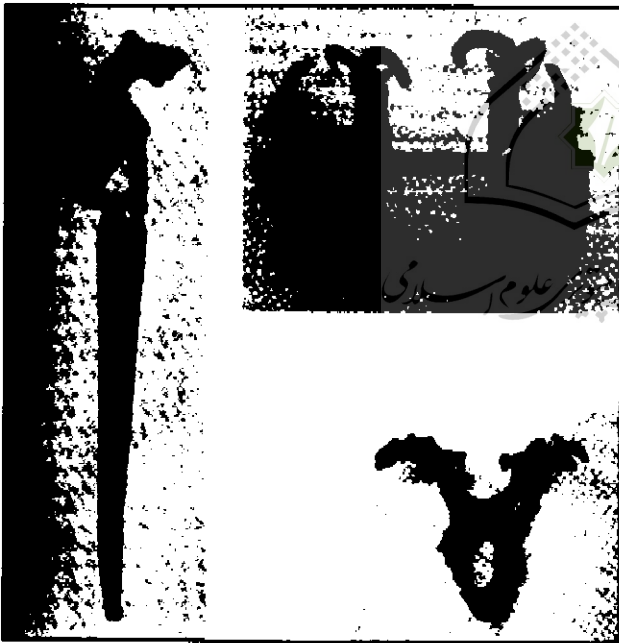


صحنه ماد



نیم‌تنه یک نفر مادی با شمشیر از سنگ لاجورد (موزه کلوند)





۱۱۶... کتیبه بوسون - طاق خسرو از طاق (قرن ۳-۴ هجری) - موزه برلین

کتابشناسی

- آبروی، ا.ج. و سیزده تن از خاورشناسان. میراث ایران، ترجمه احمد بیرشک، بازارگاد، صدیق-حاتمی، محمد معین و محمد سعیدی، ج ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶.
- آمیه، پیر. تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- افتخارزاده، محمودرضا. تحریر اوستایی ایران باستان، چاپ اول، تهران، رسالت قلم، ۱۳۷۷.
- امستد، ات. تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، ج ۳، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- پیگولوسکایا، ن. تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده ۱۸ میلادی، ترجمه کریم کشاورز، تهران، نشر پیام، ۱۳۶۳.
- _____ . تاریخ ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، نشر پیام، ۱۳۵۴.
- دورانث، ویل. مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، ج ۱، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
- دولاندن، ش. تاریخ جهانی، ترجمه احمد بهمنش، ج ۵، ۲ جلد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- دیاکونف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، ج ۳، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۱.
- رایبسون، چارلز الکساندر. تاریخ باستان، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- رضایی، عبدالعظیم. تاریخ ده هزار ساله ایران تا انقراض پارت‌ها، ج ۱، تهران، اقبال، ۱۳۷۵.
- _____ . گنجینه تاریخ ایران «ماده‌ها»، چاپ اول، تهران، اطلس، ۱۳۷۸.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- سالور، سبکتگین. بنیاد شاهنشاهی ایران، تهران، اقبال، ۱۳۴۰.
- عهد عتیق: کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه پیروز سیار، ج ۱، تهران، نی، ۱۳۸۰.
- فرای، ریچارد. میراث ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، ج ۴، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- کتاب‌هایی از عهد عتیق «کتاب‌های قانونی ثانی»، ترجمه پیروز سیار، ج ۱، تهران، نی، ۱۳۸۰.
- کلمان هوار. ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- گیرشمن، رومان. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، ج ۵، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۴.
- لوکاس، هنری. تاریخ تمدن، ترجمه آذرننگ، ج ۲، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.
- هرودوت. تاریخ هرودوت، ترجمه به انگلیسی جرج راولین سن، ترجمه به فارسی وحید

مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.

- هگل. عقل در تاریخ. ترجمه حمید عنایت. تهران. مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی، ۱۳۵۶.

- هینلز، جان. شناخت اساطیر ایران. ترجمه ژاله آموزگار-احمد تفضلی، تهران، چشمه، ۱۳۶۸.

- LUCKENBILL, DD. *ANCIENT RECORDS OF ASSYRIA AND ABYLONIA*, CHICAGO. UNIVERSITY OF CHICAGO, 1926.
- PHILIP J. ADLER. *WORLD CIVILIZATIONS*. VOLUME 1. EAST CAROLINA UNIVERSITY. 1996.
- Boak, Slosson, Anderson, Bartlett. *THE HISTORY OF OUR WORLD*, HOUGHTON MIFFLIN, COMPANY, 1956, PRINTED IN THE U. S. A. 1961.
- ANCIENT WORLD. L. DE BLOIS AND R. J. VAN DER SPEK, FIRST PUBLISHED, NEW YORK, NY, 1001, 1999.
- BROWN, S. C. *MEDIA AND SECONDARY STATE FORMATION THE NEO-ASSYRIAN ZAGROS*, JORNAL OF CUNEIFORM STUDIES, 1986.
- ASSARHADDEN. ENCYCLOPEDIA IR de launay.j.A. YARSHATER, 1987.
- BROWN,S.C. *THE MEDIKOS LONGS OF HERODOTUS AND THE EVOLOUTION OF MEDIANSTSTE*, NEDERLANDS,OSTEN,INSTITUVT, 1988.